

قانون نظارت بر رفتار قضات

نوع سند: قوانین

قانون نظارت بر رفتار قضات

در 56 ماده و 8 تبصره در سال 1390، تصویب شده است.

مصوب 1390، در 56 ماده و 8 تبصره به بیان قوانین نظارت بر نحوه عملکرد و رفتار قضات و رسیدگی به تخلفات انتظامی و صلاحیت قضایی آنها می پردازد.

با اصلاحات و الحاقات بعدی

کلیات

ماده 1

ماده 1 - نظارت بر نحوه عملکرد و رفتار قضات و رسیدگی به تخلفات انتظامی و صلاحیت قضایی آنها به شرح مواد این قانون است.

ماده 2

ماده 2 - تمامی قضاتی که به حکم رئیس قوه قضائیه به سمت قضائی منصوب می شوند مشمول این قانون می باشند.

تبصره

تبصره - به تخلفات انتظامی قضات دادگاه و دادرای ویژه روحانیت، مطابق آیین نامه دادرها و دادگاههای ویژه روحانیت رسیدگی می شود.

ماده 3

ماده 3 – عبارات اختصاری به کار رفته در این قانون در معانی ذیل تعریف می‌گردد:

دادگاه عالی: دادگاه عالی انتظامی قضات

دادگاه عالی تجدیدنظر: دادگاه عالی تجدیدنظر انتظامی قضات

دادسرا: دادسرای انتظامی قضات

دادستان: دادستان انتظامی قضات

دادیار: دادیار انتظامی قضات

دادگاه عالی صلاحیت: دادگاه عالی رسیدگی به صلاحیت قضات

دادگاه عالی تجدیدنظر صلاحیت: دادگاه عالی تجدیدنظر رسیدگی به صلاحیت قضات

فصل اول – دادگاه عالی و دادسرای انتظامی قضات

ماده 4

ماده 4 – دادگاه عالی و دادگاه تجدیدنظر در تهران تشکیل می‌شود و بنا به تشخیص رئیس قوه قضائیه دارای شعب متعدد است. هر شعبه دارای یک رئیس و دو مستشار است.

تبصره

تبصره – دادگاه‌های مذکور به تعداد کافی عضو معاون دارد که در غیاب هر یک از اعضاء با دستور رئیس دادگاه عالی، وظیفه وی را انجام می‌دهند.

ماده 5

ماده 5 – رئیس، مستشاران و عضوهای معاون دادگاه‌های مذکور از بین قضات دارای بالاترین پایه قضائی

توسط رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شوند و باید حداقل دارای بیست و پنج سال سابقه کار قضایی باشند و در ده سال اخیر خدمت قضائی خود، محکومیت انتظامی درجه سه و بالاتر نداشته باشند. این قضات را به جز موارد مشمول اصل یکصد و شصت و چهارم (164) قانون اساسی نمی‌توان بدون تمایل آنان تغییر داد.

تبصره

تبصره - رؤساء شعب دادگاه‌های عالی و عالی تجدیدنظر در بالاترین گروه شغلی و مستشاران و عضو معاون دادگاه‌های مذکور به ترتیب در یک گروه و دو گروه پایین‌تر قرار می‌گیرند.

ماده 6

ماده 6 - امور زیر در صلاحیت دادگاه عالی است:

1 - رسیدگی به تخلفات انتظامی قضات

2 - رسیدگی به پیشنهاد دادستان در مورد تعلیق قاضی از خدمت قضائی

3 - ترفیع پایه قضائی

4 - حل اختلاف بین دادستان انتظامی و دادیار انتظامی موضوع ماده (28) این قانون

5 - رسیدگی به اعتراض به قرار تعلیق تعقیب انتظامی

6 - اظهارنظر در خصوص اشتباه یا تقصیر قاضی موضوع اصل یکصد و هفتاد و یکم (171) قانون اساسی و ماده (30) این قانون

7 - سایر امور به موجب قوانین خاص

ماده 7

ماده 7 - به تخلفات اعضاء دادگاه‌های عالی و عالی تجدیدنظر و دادستان توسط هیأتی مرکب از رؤساء شعب دیوان عالی کشور که با حضور دو سوم آنان رسمیت می‌یابد رسیدگی می‌شود. ملاک در صدور رأی، نظر اکثریت حاضرین است. رسیدگی در این هیأت منوط به صدور کیفرخواست از جانب دادستان کل

کشور است.

تبصره

تبصره - به تخلفات اداری قضاتی که در زمان ارتکاب دارای سمت اداری بوده‌اند، در دادگاه عالی رسیدگی می‌شود و به تخلفات انتظامی شخصی که از شغل قضائی به شغل اداری انتقال یافته است در صورتی که تخلف مربوط به زمان تصدی وی در شغل قضائی گردد نیز در دادرسی رسیدگی می‌گردد. در هر حال مجازات، مطابق مقررات حاکم در موقع ارتکاب تخلف تعیین می‌شود.

ماده 8

ماده 8 - دادرسی در معیت دادگاه عالی مطابق این قانون انجام وظیفه می‌نماید.

ماده 9

ماده 9 - ریاست دادرسی به عهده دادستان است که باید حداقل دارای بیست سال سابقه کار قضائی باشد و در ده سال اخیر خدمت خود محکومیت انتظامی درجه سه یا بالاتر نداشته باشد.

ماده 10

ماده 10 - دادستان به تعداد کافی معاون و دادیار دارد. دادیار و معاون دادرسی باید حداقل دارای پانزده سال سابقه کار قضائی باشند و در ده سال اخیر خدمت قضائی خود محکومیت انتظامی درجه سه یا بالاتر نداشته باشند.

ماده 11

ماده 11 - وظایف و اختیارات دادرسی عبارت است از:

1 - بازرسی و کشف تخلفات انتظامی قضات و تعقیب انتظامی آنان در هر مقام و رتبه

2 - نظارت مستمر بر عملکرد قضات، ارزشیابی آنان و تحقیق در اعمال و رفتار منافعی با حیثیت و شأن

قضائی با رعایت حریم خصوصی آنان

3 - پیشنهاد تعلیق قاضی از خدمت قضائی به دادگاه عالی

4 - پیشنهاد تشویق قضات دارای خدمات علمی یا عملی برجسته به رئیس قوه قضائیه

5 - پیشنهاد جابجایی قضات به رئیس قوه قضائیه در اجرای اصل یکصد و شصت و چهارم (164) قانون اساسی

6 - بازرسی و تهیه گزارش در مورد عملکرد قضات بر حسب درخواست رئیس قوه قضائیه

7 - سایر وظایف به موجب قوانین خاص

تبصره

تبصره - درخواست تعلیق قاضی و صدور کیفرخواست و قرار تعلیق تعقیب انتظامی فقط بر عهده دادستان است. در غیاب دادستان یا موارد ردّ دادرسی، معاون اول وی این امور را بر عهده دارد.

ماده 12

ماده 12 - نحوه بازرسی، نظارت و ارزشیابی رفتار و عملکرد قضات بر اساس آیین نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون به پیشنهاد دادستان به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

فصل دوم - مجازات‌ها و تخلفات انتظامی

ماده 13

ماده 13 - مجازات‌های انتظامی قضات سیزده درجه به شرح زیر است:

1 - توبیخ کتبی بدون درج در سابقه خدمتی

2 - توبیخ کتبی با درج در سابقه خدمتی

- 3 - کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از یک ماه تا شش ماه
- 4 - کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از شش ماه تا یک سال
- 5 - کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از یک سال تا دو سال
- 6 - تنزل یک پایه قضائی و در مورد قضات نظامی تنزل یک درجه نظامی یا رتبه کارمندی
- 7 - تنزل دو پایه قضائی و در مورد قضات نظامی تنزل دو درجه نظامی یا دو رتبه کارمندی
- 8 - انفصال موقت از یک ماه تا شش ماه
- 9 - انفصال موقت از شش ماه تا یک سال
- 10 - خاتمه خدمت از طریق بازنشستگی با داشتن حداقل بیست و پنج سال سابقه و بازخرید خدمت در صورت داشتن کمتر از بیست و پنج سال سابقه
- 11 - تبدیل به وضعیت اداری و در مورد قضات نظامی لغو ابلاغ قضائی و اعاده به یگان خدمتی
- 12 - انفصال دائم از خدمت قضائی
- 13 - انفصال دائم از خدمات دولتی

ماده 14

- ماده 14 - مرتکبان هر یک از تخلفات ذیل با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب، به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه یک تا چهار محکوم می‌شوند:
- 1 - درج نکردن مشخصات خود یا امضاء نکردن زیر صورتجلسات، اوراق تحقیق و تصمیمات یا ناخوانا نوشتن یا به کار بردن کلمه یا عبارت سبک و ناپسند
 - 2 - عدم اعلام ختم دادرسی در دادگاه و ختم تحقیقات در دادسرا یا تاخیر غیر موجه کمتر از یک ماه در صدور رای و اجرای آن
 - 3 - عدم حضور عضو دادگاه در جلسه رسیدگی بدون عذر موجه یا شرکت نکردن وی در مشاوره و صدور رأی و امضاء آن یا عدم تشکیل جلسه رسیدگی در روز مقرر بدون عذر موجه

4 - عدم نظارت منتهی به بی‌نظمی متصدیان امور شعب مراجع قضائی بر عملکرد اداری شعب

5 - عدم اعمال نظارت مراجع عالی قضائی نسبت به مراجع تالی و دادستان نسبت به دادیار و بازپرس از حیث دادن تعلیمات و تذکرات لازم و اعلام تخلفات، مطابق قوانین مربوط

6 - بی‌نظمی در ورود به محل کار و خروج از آن یا عدم حضور در نوبت کشیک، جلسات هیأت‌ها و کمیسیون‌هایی که قاضی موظف به شرکت در آنها است، بدون عذر موجه و بیش از سه مورد در ماه یا سه نوبت متوالی

7 - غیبت غیرموجه و حداکثر به مدت یک تا پنج روز متوالی یا متناوب در یک دوره سه ماهه

8 - اهمال در انجام وظایف محوله

9 - اعلام نظر ماهوی قاضی پیش از صدور رأی

ماده 15

ماده 15 - مرتکبان هر یک از تخلفات ذیل با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه چهار تا هفت محکوم خواهند شد:

1 - صدور رأی غیر مستند یا غیر مستدل

2 - غیبت غیرموجه از شش تا سی روز در یک دوره سه ماهه یا خودداری غیرموجه از عزیمت به محل خدمت یا ترک خدمت به مدت کمتر از سی روز

3 - دستور تعیین وقت دادرسی خارج از ترتیب دفتر اوقات بدون علت موجه

4 - تأخیر یا تجدید وقت دادرسی بدون وجود جهت قانونی و بدون ذکر آن

5 - رعایت نکردن مقررات مربوط به صلاحیت رسیدگی اعم از ذاتی یا محلی

6 - رفتار خارج از نزاکت حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن

7 - تأخیر غیر موجه بیش از یک ماه در صدور رأی و اجرای آن

8 - عدم رعایت مقررات مربوط به تشکیل جلسه دادرسی و ابلاغ وقت رسیدگی

9 - خودداری از اعلام تخلفات کارکنان اداری، ضابطان، وکلاء دادگستری، کارشناسان رسمی دادگستری، مشاوران حقوقی قوه قضائیه و مترجمان رسمی به مراجع مربوط، در موارد الزام قانون

ماده 16

ماده 16 - مرتکبان هر یک از تخلفات زیر با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب، به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه شش تا ده محکوم می‌شوند:

1 - سوء استفاده از اموال دولتی، عمومی و توقیفی

2 - خودداری از اعتبار دادن به مفاد اسناد ثبتی بدون جهت قانونی

3 - خودداری از پذیرش مستندات و لوایح طرفین و وکلاء آنان جهت ثبت و ضبط فوری در پرونده

4 - خودداری غیرموجه از عزیمت به محل خدمت در موعد مقرر یا ترک خدمت بیش از سی روز

5 - استنکاف از رسیدگی و امتناع از انجام وظایف قانونی

ماده 17

ماده 17 - مرتکبان هر یک از تخلفات ذیل با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب، به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه هشت تا سیزده محکوم می‌شوند:

1 - گزارش خلاف واقع و مغرضانه قضات نسبت به یکدیگر

2 - اشتغال همزمان به مشاغل مذکور در اصل یکصد و چهل و یکم (141) قانون اساسی یا کارشناسی رسمی دادگستری، مترجمی رسمی، تصدی دفتر ازدواج، طلاق و اسناد رسمی و اشتغال به فعالیت‌های تجاری موضوع ماده (1) قانون تجارت

3 - خارج کردن مستندات و لوایح طرفین از پرونده

4 - خروج از بی‌طرفی در انجام وظایف قضائی

5 - پذیرفتن هرگونه هدیه یا خدمت یا امتیاز غیرمعارف به اعتبار جایگاه قضائی

تبصره

تبصره - رفتار خلاف شأن قضائی عبارت است از انجام هرگونه عملی که در قانون، جرم عمدی شناخته می‌شود و یا خلاف عرف مسلم قضات است به نحوی که قضات آن را مذموم بدانند.

ماده 18

ماده 18 - تخلف از قوانین موضوعه که در این قانون یا سایر قوانین، برای آن مجازات پیش بینی نشده است با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب، مستلزم یکی از مجازات‌های انتظامی درجه دو تا پنج است.

تبصره

تبصره - اگر تخلف از قانون، عمدی و برای اجرای مقصودی له یا علیه یکی از اصحاب دعوی یا به لحاظ پذیرفتن توصیه و مغلوب نفوذ شدن صورت گیرد و منتهی به تضییع حق یا تأخیر در انجام وظیفه یا ترک آن گردد، مرتکب نسبت به اهمیت و شرایط ارتکاب، به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه هشت تا سیزده محکوم می‌شود.

ماده 19

ماده 19 - ارتکاب فعل واحد که واجد عناوین تخلفات متعدد باشد مستوجب تعیین یک مجازات انتظامی است و چنانچه تخلفات ارتكابی دارای مجازات‌های متفاوتی باشند، مرتکب به مجازات تخلفی که مجازات شدیدتری دارد محکوم می‌شود.

ماده 20

ماده 20 - چنانچه ظرف دو سال تخلفی که در گذشته برای آن مجازات تعیین و اجراء شده است، تکرار شود، مرتکب به مجازاتی حداقل یک درجه بیشتر از مجازات قبلی، موضوع ماده (13) این قانون محکوم می‌شود.

ماده 21

ماده 21 - به محکومین مستوجب مجازات بند (12) ماده (13) این قانون (در صورت تقاضا) و همچنین بند (13) ماده مزبور، معادل وجوهی که در طی سنوات خدمت به صندوق بازنشستگی واریز نموده‌اند با رعایت تغییر شاخص قیمت سالانه موضوع مفاد ماده (522) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی پرداخت می‌گردد.

فصل سوم - آیین رسیدگی به تخلفات انتظامی

ماده 22

ماده 22 - جهات قانونی برای شروع تعقیب و رسیدگی انتظامی به قرار زیر است:

1 - شکایت ذی نفع یا نماینده قانونی او

2 - اعلام رئیس قوه قضائیه

3 - اعلام رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور

4 - اعلام شعبه دیوان عالی کشور در مقام رسیدگی به پرونده قضائی

5 - ارجاع دادگاه عالی

6 - اطلاع دادستان

تبصره 1

تبصره 1 - در مورد بند (6) هرگاه دادستان پس از بررسی ابتدائی موارد اعلام شده را بی‌اساس تشخیص دهد، دستور بایگانی آن را صادر می‌کند و در غیر این صورت برای رسیدگی به یکی از دایاران ارجاع می‌نماید.

تبصره 2

تبصره 2 - تصمیم دادرسی مبنی بر تعقیب یا عدم آن به نحو مقتضی به اطلاع شاکی می‌رسد.

ماده 23

ماده 23 - رؤساء دادگستری مراکز استان‌ها موظفند شکایات انتظامی مردم در برابر قضات را دریافت نموده و پس از ثبت در دفتر مخصوص و تسلیم رسید به شاکی حداکثر ظرف یک هفته به دادرسی انتظامی قضات ارسال نمایند.

تبصره

تبصره - شاکی می‌تواند برای شکایت یا اطلاع از روند پرونده به دادرسی انتظامی قضات نیز مراجعه نماید.

ماده 24

ماده 24 - چنانچه دادیار در حین رسیدگی به پرونده، تخلف دیگری را کشف کند موظف است نسبت به آن نیز رسیدگی و اظهارنظر نماید.

تبصره

تبصره - چنانچه عمل ارتكابی قاضی عنوان جزائی نیز داشته باشد مدارک مربوط جهت رسیدگی برای مرجع صالح قضائی ارسال می‌شود.

ماده 25

ماده 25 - در موارد زیر تعقیب انتظامی موقوف می‌شود:

1 - موضوع پرونده انتظامی قبلاً رسیدگی شده باشد.

2 - موضوع پرونده انتظامی مشمول مرور زمان شده باشد.

3 - قاضی که تخلف به وی منسوب است، فوت شده یا بازنشسته، بازخرید، مستعفی و یا به هر نحو دیگر از خدمت قضائی به طور دائم منفک شده باشد.

تبصره

تبصره - مدت مرور زمان تعقیب انتظامی از تاریخ وقوع تخلف و یا آخرین اقدام تعقیبی سه سال است.

ماده 26

ماده 26 - قضات دادسرا در جهت انجام وظایف می‌توانند اطلاعات، اسناد و اوراق مورد نیاز را از مراجع قضائی، وزارتخانه‌ها، موسسات، شرکت‌های دولتی و مؤسسات عمومی غیردولتی مطالبه نمایند.

مراجع مزبور مکلفند به فوریت نسبت به اجابت خواسته اقدام و نتیجه را اعلام نمایند. عدم اجابت به موقع، تخلف اداری محسوب و متخلف یا مقام مسئول مراجع مذکور، به یک ماه تا یک سال انفصال از خدمت محکوم می‌شود.

ماده 27

ماده 27 - قضات دادسرا می‌توانند راجع به تخلف انتظامی از ذی نفع، افراد مطلع و قاضی که تخلف منتسب به او است با رعایت شأن قضائی توضیحات لازم را اخذ نمایند.

ماده 28

ماده 28 - در صورتی که دادیار پس از رسیدگی، عقیده به تعقیب قاضی داشته باشد و دادستان هم با وی موافق باشد، کیفرخواست تنظیم و پرونده جهت رسیدگی به دادگاه عالی ارسال می‌شود و چنانچه دادستان به منع یا موقوفی تعقیب انتظامی معتقد باشد با اصرار دادیار بر نظر خود، پرونده جهت حل اختلاف به دادگاه عالی ارسال می‌شود و رأی دادگاه متبع خواهد بود. در سایر موارد نظر دادستان لازم الاتباع است.

ماده 29

ماده 29 - دادستان می‌تواند با وجود احراز تخلف از ناحیه قاضی با توجه به میزان سابقه و تجارب قضائی

و همچنین با در نظر گرفتن حسن سابقه و درجه علاقمندی قاضی به انجام وظایف محوله و سایر اوضاع و احوال قضیه، تعقیب انتظامی او را تعلیق و مراتب را به او اعلام نماید، مشروط بر این که تخلف مزبور مستلزم مجازات انتظامی از درجه هشت و بالاتر نباشد.

ماده 30

ماده 30 - رسیدگی به دعوای جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی موضوع اصل یکصد و هفتاد و یکم (171) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در صلاحیت دادگاه عمومی تهران است. رسیدگی به دعوای مذکور در دادگاه عمومی منوط به احراز تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی است.

تبصره

تبصره - تعلیق تعقیب یا موقوفی تعقیب انتظامی یا عدم تشکیل پرونده مانع از رسیدگی دادگاه عالی به اصل وقوع تقصیر یا اشتباه قاضی نیست.

ماده 31

ماده 31 - قاضی که تعقیب انتظامی او تعلیق شده است، در صورت ادعای عدم ارتکاب تخلف می‌تواند ظرف بیست روز پس از ابلاغ قرار تعلیق تعقیب، رسیدگی به موضوع را از دادگاه عالی درخواست کند. در این صورت چنانچه دادگاه عالی، قاضی را متخلف تشخیص دهد او را به مجازات انتظامی محکوم می‌کند.

ماده 32

ماده 32 - تعلیق تعقیب انتظامی هر قاضی با رعایت شرایط مقرر در این قانون برای هر دو سال از تاریخ ابلاغ قرار تعلیق بیش از یک بار امکانپذیر نیست. در صورتی که قاضی با وجود برخورداری از تعلیق تعقیب، ظرف دو سال از تاریخ ابلاغ قرار مذکور، مرتکب تخلف جدیدی شود با صدور کیفرخواست دادستان، تخلف مشمول تعلیق نیز در دادگاه عالی، مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

ماده 33

ماده 33 – به تخلفات انتظامی قضات در دادگاه عالی و به موجب کیفرخواست دادستان و در محدوده کیفرخواست رسیدگی می‌شود.

ماده 34

ماده 34 – رئیس شعبه اول دادگاه عالی، پس از وصول پرونده، رسیدگی را به یکی از شعب ارجاع می‌نماید. شعبه پس از ثبت پرونده، نسخه‌ای از کیفرخواست را از طریق رئیس کل دادگستری استان در اسرع وقت به نحو محرمانه به قاضی تحت تعقیب انتظامی ابلاغ می‌کند و نسخه دوم ابلاغ شده، اعاده می‌گردد. قاضی یاد شده می‌تواند دفاعیات خود را به همراه مستندات ظرف یک ماه پس از ابلاغ ارائه نماید.

تبصره 1

تبصره 1 – ابلاغ جز در موارد مصرح در این قانون، تابع آیین دادرسی مدنی است.

تبصره 2

تبصره 2 – در غیاب رئیس شعبه اول دادگاه عالی، پرونده‌ها، به ترتیب توسط روسای شعب بعدی ارجاع می‌شود.

ماده 35

ماده 35 – جلسه دادگاه عالی با حضور رئیس و دو مستشار تشکیل می‌شود و در صورت عدم حضور هر یک از آنان عضو معاون جایگزین می‌گردد و رأی اکثریت، مناط اعتبار است. در صورت درخواست دادستان یا صلاحدید دادگاه، دادستان یا یکی از معاونان یا دایاران به نمایندگی از وی به منظور دفاع از کیفرخواست و اداء توضیحات لازم در جلسه حضور می‌یابد.

ماده 36

ماده 36 – آراء دادگاه عالی مبنی بر محکومیت قاضی به مجازات تا درجه پنجم، قطعی و در سایر موارد

توسط محکوم علیه و در مورد آراء براءت توسط دادستان، ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه عالی تجدیدنظر است.

تبصره 1

تبصره 1 - شروع مهلت اعتراض برای دادستان، تاریخ وصول پرونده در دبیرخانه دادسرا است.

تبصره 2

تبصره 2 - نحوه ابلاغ آراء به شیوه ابلاغ کیفرخواست است.

ماده 37

ماده 37 - محکوم علیه می تواند نسبت به تمامی احکام محکومیت قطعی یا قطعیت یافته به مجازات درجه پنج به بالا، صادره از دادگاه عالی یا دادگاه عالی تجدیدنظر، در صورت وجود یکی از موجبات اعاده دادرسی، درخواست اعاده دادرسی نماید. این درخواست حسب مورد به دادگاه عالی یا دادگاه عالی تجدیدنظر صادرکننده رای تقدیم و در صورت تجویز اعاده دادرسی از سوی دادگاه مذکور، در همان دادگاه رسیدگی می شود.

تبصره

تبصره - جهات اعاده دادرسی در این ماده، تابع آیین دادرسی کیفری است.

ماده 38

ماده 38 - اجرای احکام قطعی دادگاه های عالی بر عهده دادسرا است.

فصل چهارم - تعلیق قاضی

ماده 39

ماده 39 - هرگاه قاضی در مظان ارتکاب جرم عمدی قرار گیرد، دادستان موضوع را بررسی و چنانچه دلایل و قرائن، دلالت بر توجه اتهام داشته باشد، تعلیق وی از سمت قضائی را تا صدور رای قطعی توسط مرجع ذیصلاح و اجرای آن، از دادگاه عالی تقاضا می‌کند. دادگاه مذکور پس از رسیدگی به دلایل، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید.

تبصره 1

تبصره 1 - مرجع کیفری صالح می‌تواند تعلیق قاضی را جهت اقدام مقتضی از دادستان درخواست نماید.

تبصره 2

تبصره 2 - دادستان مکلف است، پیش از اظهارنظر راجع به تعلیق قاضی به وی اعلام کند که می‌تواند ظرف یک هفته پس از ابلاغ، اظهارات خود را به طور کتبی یا با حضور در دادسرا اعلام نماید. دادگاه عالی نیز در صورت اقتضاء به همین ترتیب اقدام می‌نماید.

تبصره 3

تبصره 3 - در صورتی که درخواست تعلیق قاضی از سوی دادسرا یا دادگاه عالی رد شود و پس از آن دلیل جدیدی کشف شود، مرجع کیفری صالح می‌تواند بررسی مجدد موضوع تعلیق را از دادستان درخواست نماید.

ماده 40

ماده 40 - تعقیب قاضی در جرائم غیرعمدی، پس از اعلام مرجع کیفری و اجازه دادستان صورت می‌گیرد مگر آن که تعقیب یا اجرای حکم مستلزم جلب یا بازداشت قاضی باشد که در این صورت مطابق ماده (39) این قانون عمل می‌شود.

تبصره

تبصره – احضار قاضی که برابر این ماده، بدون تعلیق، مورد تعقیب قرار می‌گیرد و نیز احضار قاضی به عنوان شاهد و مطلع فقط از طریق رئیس کل دادگستری استان و به صورت محرمانه انجام می‌شود.

ماده 41

ماده 41 – هرگونه احضار، جلب و بازداشت قضات و بازرسی محل سکونت، محل کار و اماکنی که در تصرف آنان است، بدون رعایت مواد این فصل ممنوع است و مرتکب به مجازات بازداشت غیرقانونی محکوم می‌شود.

ماده 42

ماده 42 – قاضی تعلیق شده در ایام تعلیق از یک سوم تمام حقوق و مزایا برخوردار و در صورت برائت یا منع تعقیب، مستحق دریافت مابقی آن است.

ماده 43

ماده 43 – تعقیب و یا محکومیت کیفری و یا عدم هر یک، مانع تعقیب و محکومیت انتظامی نیست.

فصل پنجم – رسیدگی به صلاحیت قضات:

ماده 44

ماده 44 – رسیدگی به صلاحیت قضاتی که صلاحیت آنان طبق موازین شرعی و قانونی از ناحیه مقامات مصرح در این قانون مورد تردید قرار گیرد، با «دادگاه عالی رسیدگی به صلاحیت قضات» است. صلاحیت قاضی می‌تواند توسط یکی از مقامات ذیل مورد تردید قرار گیرد:

1 – رئیس قوه قضائیه

2 – رئیس دیوان عالی کشور

3 - دادستان کل کشور

4 - رؤسای شعب دادگاه عالی و تجدیدنظر آن

5 - دادستان انتظامی قضات

6 - رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح نسبت به قضات آن سازمان

تبصره 1

تبصره 1 - این دادگاه فقط به صلاحیت قضاتی که صلاحیت آنها مورد تردید قرار گرفته است رسیدگی می‌کند و سایر موارد در صلاحیت دادگاه عالی انتظامی قضات است.

تبصره 2

تبصره 2 - رئیس قوه قضائیه در صورت تأیید رأی قطعی این دادگاه، دستور اجرای آن را صادر می‌نماید.

ماده 45

ماده 45 - در صورت تردید نسبت به صلاحیت قاضی طبق ماده قبل، موضوع از سوی مقام تردید کننده صلاحیت به نحو مستدل و مستدل به کمیسیون رسیدگی به صلاحیت قضات مرکب از اشخاص ذیل اعلام می‌گردد:

1 - معاون قضائی رئیس قوه قضائیه

2 - معاون حقوقی و امور مجلس وزارت دادگستری

3 - معاون قضائی رئیس دیوان عالی کشور

4 - دادستان انتظامی قضات

کمیسیون مذکور، موضوع را در اسرع وقت بررسی و پس از استماع مدافعات و اظهارات قاضی که در صلاحیتش تردید شده، چنانچه نظر بر عدم صلاحیت وی داشته باشد، نتیجه را حداکثر ظرف ده روز به دادگاه، گزارش خواهد داد. کمیسیون یاد شده، با حضور اکثریت اعضاء رسمیت می‌یابد و رأی اکثریت،

مناطق اعتبار است. دبیر این کمیسیون، دادستان است.

ماده 46

ماده 46 - دادگاه عالی صلاحیت پس از بررسی گزارش کمیسیون و استماع مدافعات و اظهارات قاضی که در صلاحیتش تردید شده است، در صورت احراز عدم صلاحیت، حسب مورد وی را به یکی از مجازات‌های ذیل محکوم می‌نماید:

1 - تبدیل به وضعیت اداری و در مورد قضات نظامی لغو ابلاغ قضائی و اعاده به یگان خدمتی

2 - بازخریدی

3 - بازنشستگی در صورت دارا بودن شرایط قانونی

4 - انفصال دائم از مشاغل قضائی

5 - انفصال دائم از خدمات دولتی

تبصره 1

تبصره 1 - عدم ارائه لایحه دفاعیه یا عدم حضور قاضی در دادگاه، با وجود ابلاغ وقت، مانع از رسیدگی نیست.

تبصره 2

تبصره 2 - مشمولین بندهای (4) و (5) این ماده از مزایای ماده (21) این قانون بهره مند می‌شوند.

ماده 47

ماده 47 - چنانچه عدم صلاحیت قاضی ناشی از عدم توانایی وی در انجام وظایف محوله باشد، حسب مورد به تنزل مقام (سمت قضائی) یا تبدیل به وضعیت اداری محکوم می‌شود.

ماده 48

ماده 48 – رای دادگاه عالی صلاحیت ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر از طرف محکوم علیه در دادگاه عالی تجدیدنظر صلاحیت است. محکوم علیه می تواند تقاضای تجدیدنظر خود را به دفتر دادگاه تقدیم نماید.

ماده 49

ماده 49 – دادگاه عالی صلاحیت و تجدیدنظر آن از سه عضو تشکیل می شود و در تهران مستقر است. رئیس و اعضاء دادگاه عالی صلاحیت از بین قضات گروه یازده و رئیس و اعضاء تجدیدنظر آن از بین قضات گروه دوازده توسط رئیس قوه قضائیه تعیین می شوند. قضات یاد شده باید حداقل بیست سال سابقه کار قضایی داشته باشند.

تبصره

تبصره – در صورتی که در بالاترین گروه به تعداد کافی قاضی نباشد یا از رسیدگی معذور باشند، اعضاء دادگاه عالی تجدیدنظر صلاحیت، از بین قضات گروه یازده و بالاتر توسط رئیس قوه قضائیه تعیین می شوند.

ماده 50

ماده 50 – دادگاههای مذکور در این فصل، با حضور تمامی اعضاء رسمیت می یابد و رأی اکثریت مناط اعتبار است. ابلاغ رأی با دفتر دادگاه است.

تبصره

تبصره – تصمیمات به نشانی اعلام شده توسط قاضی به کمیسیون به نحو محرمانه ابلاغ می شود و هرگاه قاضی آدرس اعلام نکرده باشد، آخرین نشانی موجود در محل خدمت وی معتبر است.

ماده 51

ماده 51 – چنانچه نظر کمیسیون یا دادگاههای مذکور در این فصل بر تأیید صلاحیت قاضی است، پرونده

مختومه می‌شود.

ماده 52

ماده 52 – اجرای حکم قطعی محکومیت با دادرسی است.

ماده 53

ماده 53 – چنانچه عمل ارتكابی قاضی عنوان جزائی نیز داشته باشد، مدارک مربوط به مراجع صالحه قضایی جهت رسیدگی ارسال می‌شود.

ماده 54

ماده 54 – جهات ردّ قضات مذکور در این قانون همان موارد ردّ دادرسی در آیین دادرسی مدنی است.

ماده 55

ماده 55 – آیین نامه اجرایی این قانون ظرف سه ماه توسط وزارت دادگستری با همکاری دادستان، تدوین و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

ماده 56

ماده 56 – از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون، تمامی قوانین و مقررات زیر ملغی می‌باشد:

1 – ماده (113) قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب 1307 / 4 / 27،

2 – مواد (21)، (23)، (28) و (31) قانون استخدام قضات و صاحب منصبان پارک و مباشرین ثبت اسناد مصوب 1306 / 12 / 28،

3 – ماده (1) قانون راجع به محاکمه انتظامی مصوب 1307 / 11 / 6،

4 – قانون صلاحیت محکمه انتظامی مصوب 1309 / 8 / 13،

5 - ماده (51) قانون تسريع محاکمات اصلاحي مصوب 6 / 10 / 1315،

6 - ماده (4) قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قانون تکميل قانون استخدام قضات مصوب 11 / 10 / 1317،

7 - مواد (30) و (33) لغايت (43) لايحه اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکيلات دادگستری و استخدام قضات مصوب 14 / 12 / 1333،

8 - بندهای (ج)، (و) و (ه) ماده (1) و مواد (2) و (3) قانون متمم سازمان دادگستری و اصلاح قسمتی از لايحه قانونی اصول تشکيلات دادگستری و استخدام قضات مصوب 17 / 6 / 1335،

9 - ماده (3) راجع به تجديدنظر کردن در احکام دادگاه عالی انتظامی قضات مصوب 9 / 10 / 1337،

10 - مواد (2) و (6) لايحه قانونی راجع به اصلاح بعضی مواد لوايح قانون مربوط به اصول تشکيلات دادگستری مصوب 21 / 2 / 1339،

11 - مواد (26) و (27) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب 25 / 3 / 1356،

12 - لايحه قانونی تعيين مرجع تجديدنظر و اعاده دادرسی نسبت به احکام دادگاه عالی انتظامی قضات مصوب 24 / 3 / 1358،

13 - بند (5) ماده (3) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب 28 / 12 / 1373،

14 - قانون رسیدگی به صلاحیت قضات مصوب 17 / 2 / 1376

قانون فوق مشتمل بر پنجاه و شش ماده و بیست و هشت تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ هفدهم مهرماه یکهزار و سیصد و نود مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ 27 / 7 / 1390 به تأیید شورای نگهبان رسید.